

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۲

جنگ نرم و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

محمدحسن حبیبیان^۱

محمدحسن صبوری^۲

چکیده

یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در امنیت ملی هر کشور، امنیت فرهنگی است که هرگونه تزلزل در آن می‌تواند در سایر مؤلفه‌ها اثرگذار بوده و امنیت ملی کشور را به مخاطره اندازد. استکبار جهانی (به خصوص آمریکا) و سایر دشمنان جمهوری اسلامی ایران، از ابتدای پیروزی انقلاب در صدد براندازی این نظام نوپا برآمده و پس از نتیجه نگرفتن در جنگ سخت، به آزمون شیوه‌های نرم روی آورده‌اند. نویسندگان مقاله با هدف روشن نمودن شیوه‌های جنگ نرم دشمنان قصد دارند اثرات جنگ نرم دشمن را بر امنیت فرهنگی کشور با روش تحقیق توصیفی و بهره‌برداری از شیوه گردآوری اسنادی (بررسی اسناد و مدارک و جستجوی اینترنتی) بررسی نمایند. یافته‌های پژوهش، حاکی از آن است که دشمنان از شیوه‌های جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، جنگ اینترنتی، براندازی نرم، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی؛ در جنگ نرم علیه ج.ا.ایران استفاده می‌نمایند و کشور ایران نیز می‌تواند با شناخت راهکنش‌های مورد استفاده در جنگ نرم و محورها و شیوه‌های جنگ نرم غرب و همچنین شناخت شاخص‌های امنیت فرهنگی و تهدید امنیت فرهنگی ج.ا.ایران به اهداف مورد نظر دست یابد.

کلیدواژه‌ها: جنگ نرم، قدرت، قدرت نرم، تهدید، امنیت فرهنگی.

۱. استادیار مدیریت راهبردی دانشکده علوم و فنون فارابی Mhs.habibian@gmail.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی دانشگاه فرماندهی و ستاد (نویسنده مسئول) mhsabori@gmail.com

مقدمه

در جامعه هر واقعیت ارزشمندی در معرض خطر است، اگر فرهنگ یک واقعیت ارزشمند است در آن صورت باید دانست که آن نیز در معرض خطر است. در میان ملت‌ها هیچ امری به اندازه فرهنگ دخیل و تأثیرگذار نیست. هر فرهنگ دارای سه عنصر مادی، شناختی و قواعد سازمانی است، جنبه مادی هر فرهنگ شامل مهارت‌های فنی، هنرها، ابزارها و وسایل و اشیای مادی دیگری است که اعضای آن جامعه از آن استفاده می‌کنند و جنبه شناختی یک فرهنگ شامل باورها، اسطوره‌ها، ایدئولوژی‌ها، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و دانش‌هاست. قواعد سازمانی شیوه‌های زندگی مردم، آداب و رسوم قوانین و نقش‌ها تعیین می‌کند، همچنین قواعد سازمانی شامل مقررات، نظام‌ها و آیین‌هایی است که انتظار می‌رود اعضای آن گروه هنگام فعالیت‌های روزمره زندگی از آن پیروی کنند. مفهوم فرهنگ در برگزیده کلیه شئون زندگی افراد یک جامعه است و به غیر از عوامل وراثتی، مجموعه رفتارهای اکتسابی و ویژگی‌های اعتقادی اعضا یک جامعه معین را شامل می‌شود، پس در این شرایط است که جایگاه امنیت فرهنگی برای حفاظت و پاسداری از این مجموعه ویژگی‌ها، معنا و مفهوم خاص پیدا می‌کند. امنیت فرهنگی یکی از مؤلفه‌های امنیتی است که در برخی از کشورها جزء منافع حیاتی محسوب می‌شود.

امنیت فرهنگی به عنوان بعد داخلی و نرم افزاری امنیت ملی، می‌تواند تأثیر بسزایی در جهت گیری و سیاست گذاری‌های یک کشور در جهت تأمین اهداف و چشم‌اندازهای پیش رو برای حصول منافع ملی و امنیت ملی کشور داشته باشد.

بیان مسئله و ضرورت تحقیق

پیشرفت فناوری قدرتمند ارتباط، زمینه ارسال پیام را به داخل کشورها هموار می‌سازد و این پیام‌ها و اطلاعات چیزی جز افکار، اندیشه‌ها، تصاویر و فرهنگ‌ها نیست. این‌ها همه در باره مفهوم امنیت فرهنگی سوال‌های بسیار جدی و چالش برانگیزی را مطرح می‌کند. امنیت فرهنگی در حفاظت و پاسداری از هویت ملی یک مسلمان ایرانی اهمیت و ضرورت خاصی دارد. ارزش‌ها، باورها، طرز فکر، مذهب، زبان، قوانین و سیاست، فناوری و فرهنگ مادی، سازمان‌های اجتماعی و تحصیلات؛ هر کدام از این اجزاء در مواجهه با فرآیند جهانی شدن می‌تواند به تنهایی مقوله امنیت ملی را با چالش‌هایی مواجه کند؛ پس تأمین امنیت فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های نرم‌افزاری امنیتی جزء مؤلفه‌های تأثیرگذار و انکارناپذیر تأمین امنیت ملی و منافع ملی داخلی و خارجی کشور است. اکنون که دشمن در جنگ سخت، به آمال خود نائل

نگردیده، سعی می‌نماید با اشکال مختلف جنگ نرم که یکی از آن‌ها تخریب فرهنگی است، به خواسته‌های خود دست یابد و امنیت ملی کشور را متزلزل و به اهداف خود دست یابد. در جنگ نرم مردم نقش اساسی دارند و دشمن سعی دارد با تغییر در نگرش و باورها، آستانه مقاومت آنان را کاهش داده و آنان را در مقابل رهبر و دولت قرار دهند. حال سوال اصلی این است که با چه روشی می‌توان در مقابل جنگ نرم دشمن از امنیت فرهنگی کشور دفاع کرد؟ با عنایت به اهمیت موضوع، محقق در این تحقیق تلاش می‌نماید با شناسایی شیوه‌های جنگ نرم دشمن، تأثیر آن‌ها بر امنیت ملی کشور را بررسی نماید.

سوال تحقیق

شیوه‌های جنگ نرم دشمن علیه کشور جمهوری اسلامی ایران کدامند و چه تأثیری بر امنیت فرهنگی آن دارند؟

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله، توصیفی است که از شیوه اسنادی (بررسی اسناد و مدارک و جستجوی اینترنتی) برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است.

تعریف مفاهیم

جنگ نرم: برای جنگ نرم ۱ اصطلاحات مختلفی وضع شده است آنچه که تحت عنوان جنگ نرم مطرح می‌شود در ادبیات غرب بیشتر به عنوان قدرت نرم شناخته شده است و زیربنای فکری آن، اولین بار توسط جوزف نای به شکلی علمی، مطرح شد. جان کالینز، نظریه پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود»؛ می‌داند (جان کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۷).

قدرت نرم: جوزف نای، پژوهشگر برجسته آمریکایی در حوزه «قدرت نرم»، در سال ۱۹۹۰ میلادی در مجله «سیاست خارجی» شماره ۸۰، قدرت نرم را «توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرد.

قدرت نرم «واداشتن دیگران به خواستن آنچه شما می‌خواهید است» مردم را مجبور به انجام کاری کردن نیست، بلکه به همکاری خواندن است.

در جنگ‌های جدید هدف دشمن کاهش پایداری مردم است. در جنگ نرم دشمنان به آرامی از داخل جبهه خودی، مقاومت مردم را کاهش داده و روش‌هایی را اتخاذ می‌کند تا مردم در مسیر کمک به دستیابی اهداف آنان قرار گیرند.

قدرت نرم دارای منابع و عناصری است که باید آن‌ها را شناخت. نای معتقد است، قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی پدید آید: فرهنگ آن کشور، ارزش‌های سیاسی و بالاخره سیاست خارجی (نای، ۱۳۸۹: ۵۱).

فرهنگ؛ منبع تولید قدرت نرم

فرهنگ مجموعه ارزش‌ها و اعمالی است که به یک جامعه مفهوم می‌دهند. زمانی که فرهنگ کشوری دارای ارزش‌های جهانی باشد و سیاست‌های ارزش‌ها و منافی را که دیگران هم در آن سهیم هستند ارتقا بخشد، احتمال دسترسی به خواسته‌های مطلوبش، به خاطر رابطه جذابیت و احساس وظیفه‌ای که ایجاد می‌کنند، در آن کشور بیشتر می‌شود. جوزف جوف، سردبیر آلمانی، در جایی گفته است که قدرت نرم آمریکا حتی از سرمایه‌های اقتصادی و نظامی‌اش بیشتر است (Joffe, 2001: 43).

حضرت امام خمینی (ره) در جلد یک کتاب صحیفه، راه اصلاح یک مملکت را فرهنگ آن مملکت بیان فرموده‌اند: «اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود. دست استعمار توی فرهنگ ما کارهای بزرگ می‌کند؛ نمی‌گذارد جوان‌های ما مستقل بار بیایند؛ نمی‌گذارند در دانشگاه جوان‌های ما درست رشد بکنند. این‌ها را از بچگی یک طوری می‌کنند که وقتی بزرگ شدند، اسلام هیچ و آن‌ها همه، همه چیز. اگر فرهنگ درست بشود، یک مملکت اصلاح می‌شود. برای اینکه از فرهنگ است که در وزارتخانه‌ها می‌رود؛ از فرهنگ است که در مجلس می‌رود؛ از فرهنگ است که کارمند درست می‌شود.»

حضرت امام خمینی (ره) در جلد دو کتاب صحیفه، می‌فرمایند: «فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت

می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه‌کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ استعماری و انگلی است؛ و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از این اسلحه این قلدرها بدتر است. این قلدرها اسلحه‌شان بعد از چند وقت می‌شکند، و حالا هم شکسته، اما وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند از دست ما می‌روند و انگل بار می‌آیند، غرب‌زده بار می‌آیند.»

برخی تحلیل‌گران ساده‌اندیش قدرت نرم را همان قدرت فرهنگی عامه‌پسند می‌دانند. آن‌ها به اشتباه رفتار قدرت نرم را با منابع فرهنگی که به تولید آن کمک می‌کنند برابر می‌دانند. (Ferguson, 2003: 39) این به معنی انکار این موضوع نیست که فرهنگ عامه‌پسند هم بیشتر اوقات تولیدکننده قدرت نرم است، بلکه کارایی هر منبع قدرتی به بستر آن بستگی دارد (Rosendorf, 2000: 123).

انتقال فرهنگ از طریق تماس افراد، دیدارها، و تبادلات هم صورت می‌گیرد (Gittlin, 1999: 2). منظور از عنصر فرهنگی قدرت نرم این است که هر کشوری که:

۱. از ایدئولوژی جذابی برخوردار است؛

۲. ارزش‌های پایدار و جهان‌شمولی دارد؛

۳. هنجارهای مقبولی دارد؛

۴. شهروندان آن از نگرش‌های کم و بیش همسانی برخوردارند؛

۵. میزان تضاد و تعارض ارزشی، به ویژه ارزش‌های اخلاقی آن کم است؛

۶. رفتار دولت‌مردان آن پیش‌بینی‌پذیر است؛

الگوهای آن از مقبولیت بیشتری برخوردارند (الباسی، ۱۳۸۹: ۱۵۰-۱۵۳).

به طور کلی برای رسیدن به قدرت نرم بیشتر باید به محورهای زیر توجه کرد:

۱. داشتن راه‌های چندگانه ارتباطی خارجی و داخلی؛

۲. نزدیک کردن سنت‌ها و ایده‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به استانداردهای جهانی؛

۳. حرکتی آرام، پراکنده و پیوسته در جهت تسخیر افکار عمومی به وسیله رسانه‌های همراه و همگام با مردم؛

۴. ایجاد گفتمانی خبری- رسانه‌ای در خارج و داخل به زبان‌های مختلف (http://www.tebyan-zn.ir/).

جنگ نرم؛ اهداف و ابعاد

در حقیقت جنگ نرم و جنگ سخت یک هدف را دنبال می‌کنند. وجه مشترک آن‌ها اعمال فشار برای ایجاد تغییر در اصول و رفتار یک نظام یا به طور خاص تغییر خود نظام است. اهداف جنگ نرم به اهدافی وابسته است که بانیان راه اندازی جنگ نرم آن را دنبال می‌کند، که می‌توان آن‌ها را به چندین شیوه تقسیم بندی کرد. در یک شیوه می‌توان آن را به اهداف بلند مدت و میان مدت تقسیم بندی کرد. به طور مثال در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران، هدف بلند مدت دشمنان از جنگ نرم، براندازی نظام است. مهم‌ترین هدف جنگ نرم دشمنان، تغییر باور و فکر افراد جامعه است (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

همه افراد جامعه می‌توانند بخش‌های مشخصی باشند که مورد نظر راه اندازان جنگ نرم قرار گرفته‌اند که در حالت کلی می‌توان گفت، گروه‌های هدف در جنگ نرم، «نخبگان»^۱ و «توده‌های مردم»^۲ هستند.

الف) نخبگان کشور هدف؛ این سطح از جنگ نرم، راهبردی کشور است که به رهبران، نخبگان فکری و سیاسی یک کشور باز می‌گردد و بالاترین سطح رویارویی جنگ نرم تلقی می‌شود. هدف اصلی در این سطح تضعیف و کاهش قدرت تأثیرگذاری و جریان‌سازی نخبگان در محیط داخلی و بین‌المللی است.

ب) مردم کشور هدف؛ این سطح از جنگ نرم، عنصر مردمی قدرت ملی کشور هدف قرار می‌گیرد. هدف از جنگ نرم، سلب اراده و انگیزه از مردم و بی‌تفاوت نمودن جمعیت‌های همراه و تبدیل آن‌ها به جمعیت‌های معارض، مخالف و بی‌تفاوت و شکل دادن به نافرمانی‌های مدنی با ایجاد شکاف بین مردم و حاکمیت است.

ابعاد جنگ نرم

جنگ نرم دارای سه بعد اساسی است:

۱. بعد فرهنگی: مهم‌ترین بعد جنگ نرم است و تهاجم فرهنگی مقدمه جنگ نرم به شمار می‌آید؛ زیرا عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا با استفاده از سازوکارها و روش‌های فرهنگی،

1. Elites

2. Peoples

ارزش‌های بنیادی جامعه (خدامحوری، ولایتمداری، دشمن‌ستیزی، عدالت‌خواهی، خودباوری و ...) و نگرش‌های پایه (نگرش به بیگانگان، نوع حکومت، نوع روابط اجتماعی و ...) را دستخوش تغییر قرار دهند. نتیجه جنگ نرم فرهنگی، استحاله فرهنگی و تغییر هویت است.

۲. بعد سیاسی: در این بخش عاملان جنگ نرم در صددند تا نوع نگرش، موضع‌گیری و کنش شهروندان یک جامعه را در برابر حکومت، دستکاری نمایند و آنان را برای دست‌یازیدن به کنش‌های اعتراض‌آمیز، ترغیب کنند. به تعبیر روشن‌تر، عاملان جنگ نرم در پی آن هستند که شهروندان جامعه را وادار به نافرمانی مدنی نمایند، تا بر اثر آن، رفتار حکومت یا حتی نوع حکومت را به تدریج دستخوش تغییر قرار دهند و مشروعیت، مقبولیت و کارآمدی الگوی سیاسی موجود را مورد تردید قرار دهند.

۳. بعد اجتماعی: از جمله مؤلفه‌های بعد اجتماعی جنگ نرم، کنش‌های اجتماعی روابط و تعاملات، آداب و رسوم و رفتارهای جمعی است. عاملان جنگ نرم در پی آن هستند تا بر هویت مردم جامعه انسجام اجتماعی، روحیه ملی، سرمایه اجتماعی، الگوهای رفتاری، دلبستگی ملی و ... تأثیر بگذارند (فریزاد، ۱۳۸۹: ۱۵).

حوزه‌های تجلی جنگ نرم

در فرآیند مقابله با جنگ‌ها، کشف و شناسایی نوع تهدید همراه میزان شدت، سمت انتشار و اهداف مورد نظر تهدید بسیار مهم است. این مبحث در رابطه با جنگ نرم از اهمیت دوچندان برخوردار است زیرا فرآیند جنگ نرم بر اقناع افکار مخاطبین استوار گردیده و اذهان را به طور مستقیم، هدف قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین و در عین حال خطرناک‌ترین وجوه شناخته شده از جنگ نرم، چگونگی رسوخ و تأثیر آن در سطح جامعه است، به طوری که با شروع این نوع از جنگ‌ها، مردم احساس در خطر بودن را نمی‌نمایند.

این مهم باعث می‌شود که مقابله با آن نیز مستلزم اتخاذ تدابیر خاصی باشد. در جنگ نرم به تدریج اعتقادات و باورها و ارزش‌های اساسی یک جامعه مورد هجوم واقع و الگوهای رفتاری جدیدی شکل می‌گیرد. در این شرایط با بررسی تحولات چند ساله اخیر، چنین استنباط می‌شود که جنگ نرم در ارتباط با کشور ایران اسلامی، در قالب‌های زیر متجلی گردیده است:

۱. ملت‌سازی^۱: فرآیند تغییر و تعدیل هویت‌ها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و عملکردهای ملل گوناگون جهان از روش‌های مختلف در فرآیندهای برون به درون و همچنین رویکرد ایجاد اشتراکات گوناگون هویتی در قالب یک حوزه جغرافیایی مشخص توسط نخبگان و نهادهای حکومتی در بسترهای درونی یک جامعه را مدنظر قرار می‌دهد.

۲. نخبه‌سازی^۲: از طریق تخلیه و تغییر مراجع معتبر موجود در جوامع از یک سو و ایجاد حمایت از مراجع جدید پنداری، گفتاری و کرداری از سوی دیگر، به گونه‌ای که نخبگان همگرا، هم‌داستان و هم‌فکر در قالبی مثبت تجلی کنند و دیگران با تصویری منفی و زشت به افکار عمومی عرضه گردند. نخبگان حد فاصل میان ملت‌ها و دولت‌ها هستند و نقش اصلی را در هدایت و مدیریت آمال و اهداف جامعه ایفاء می‌کنند.

۳. فرهنگ‌سازی^۳: فرهنگ به سان شریان خون در رگ‌های پیکره جامعه است که کنترل و تغییر در ترکیبات این شریان حیاتی می‌تواند کارکرد پنداری، گفتاری و کرداری جوامع مختلف به ویژه حوزه‌های پرچالش را دچار دگرگونی بنیادین کند.

۴. مذهب‌سازی^۴: بخش عظیمی از مردم جهان در محدوده جغرافیایی غرب آسیا و شمال آفریقا به طور خاص و جهان در اسلام به طور عام با باورها و ارزش‌های دینی و الهی گره خورده‌اند و این امر با فرهنگ جهانی «سکولار- لیبرالیست»^۵ در تعارض و تقابل است. تغییر و تعدیل در نظام باورها، گفتارها و رفتارهای جوامع مسلمان مستلزم تضعیف و به چالش کشیدن مذهب این قشر عظیم از طریق خلق مذاهب ساختگی توسط صاحبان اندیشه لیبرالیستی است (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷: ۹).

اشکال و راهکنش‌های جنگ نرم

جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، جنگ اینترنتی، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی از اشکال جنگ نرم هستند (سایت مجلس، ۱۳۸۷). از دیگر اشکال جنگ نرم را می‌توان جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم،

1. Nationalization
2. To create Elitism
3. To create Culture
4. To create Religion
5. SecularLiberalism

انقلاب نرم، انقلاب مخملی، انقلاب رنگی و... را نام برد. راهکنش‌های جنگ نرم عبارتند از:

- | | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| (۱) برچسب زدن؛ | (۲) تلطیف و تنویر؛ |
| (۳) انتقال؛ | (۴) تصدیق؛ |
| (۵) شایعه؛ | (۶) کلی گویی؛ |
| (۷) دروغ بزرگ؛ | (۸) پاره حقیقت گویی؛ |
| (۹) تکرار؛ | (۱۰) قطره چکانی؛ |
| (۱۱) حذف (سانسور)؛ | (۱۲) مبالغه؛ |
| (۱۳) جاذبه‌های جنسی؛ | (۱۴) ماساژ پیام؛ |
| (۱۵) ایجاد تفرقه و تضاد؛ | (۱۶) ترور شخصیت؛ |
| (۱۷) توسل به ترس و ایجاد رعب | (۱۸) مغالطه |
| (۱۹) انسانیت زدایی و اهریمن سازی؛ | (۲۰) ارائه پیشگویی‌های فاجعه آمیز؛ |

از مهم‌ترین اشکال جنگ نرم که در تمام جنگ‌هایی که در دهه اخیر به وقوع پیوسته است جنگ روانی بوده است که به لحاظ اهمیت آن در زیر به‌طور خلاصه به آن پرداخته خواهد شد.

جنگ روانی

یکی از اشکال جنگ نرم، عملیات و جنگ روانی است که بطور کلی عبارت است از مبارزه برای دستیابی به افکار و اراده مخاطبین از طریق رسانه‌های ارتباطی که اقدامات و ضد اقداماتی که در این راستا انجام می‌شود، در امنیت فرهنگی نقش بسیار موثر و کارآمدی دارد. در این شکل از جنگ از راهکنش‌ها و شیوه‌های خاصی استفاده می‌گردد که عبارتند از:

۱- راهکنش اطمینان بخشی به وسیله شیوه‌های:

استمرار و تواتر، روشنگری، محدود کردن مجرای خبر، مطابقت حرف با عمل، درهم آمیختگی، قاطعیت در کلام و عمل، حک کردن، استناد کردن به ارزش‌ها، شیفتگی

۲ - راهکنش فریب به وسیله شیوه‌های:

کاریکاتوریزه کردن، بد دفاع کردن، انحراف، طرح راهبرد غلط، جعل، اعلام موضع از طریق شخص ثالث، نسبت کذب دادن

۳ - راهکنش ایجاد تفرقه به وسیله شیوه‌های:

ایجاد فاصله میان مردم و رهبران، ایجاد انشعاب، همراه شدن، پررنگ کردن اختلافات

۴ - راهکنش واداشتن به وسیله شیوه‌های:

در تنگنا قرار دادن، شعله‌ور ساختن، انکشاف زودرس، افشاء حیطه و موضوعات پشت پرده، سرود یاد مستان دادن.

۵ - راهکنش پادزهر به وسیله شیوه‌های:

پاسخگویی، سکوت، پاسخگویی تدریجی و عملی، پیش‌دستی، افشاء روش‌های دشمن، تکذیب و خنثی سازی از زبان غیر، استهزاء (قدیریان، ۱۳۸۲: ۱۰۵-۶۶).

شناخت نقاط ضربه‌پذیر فرهنگی و اهداف دشمن در جنگ نرم

در تهاجم فرهنگی به مباحثی چون بازی‌های رایانه‌ای هدفمند، شکل سازی غیردولتی، ایجاد شایعات و فضای بدبینی، ایجاد گروه‌های التقاطی و منحرف دینی و اخلاقی، القای خبری جهت‌دار، ایجاد منازعات قومی، ترویج الگوهای خارج از عرف، موسیقی‌های مبتذل توأم با اشعار القایی، شستشوی مغزی نخبگان، فیلم‌های سینمایی ضد فرهنگی، غیر شفاف کردن محیط و غبار آلوده کردن و ... پرداخته می‌شود. آنان با هدف گذاری اقشار مختلف به ویژه جوانان در صدد تلاش بر علاقه‌مندی‌های آنان هستند و به دقت بر اساس بسته‌ای که در آن محدودیت‌های فرهنگی و باورها و ارزش‌های آنان لحاظ شده، قصد القای ناکارآمدی و گسترش ابتذال و فروپاشی را دنبال می‌نمایند. راهکنش‌های جنگ نرم از ابزارهای رایج اقدامات دشمن است (طلایی، ۱۳۸۹/۰۹/۰۱).

مسلح کردن جامعه به تقابل در تهاجم فرهنگی، نیازمند شناخت نقاطی است دشمن آن‌ها را مورد هدف قرار می‌دهد. در حال حاضر اهداف دشمن در جنگ نرم در امور زیر خلاصه می‌شود:

۱. سست کردن باورهای دینی و انقلابی مردم؛

۲. پیشیمان کردن مردم از انقلاب؛
۳. تبلیغ و ننگ زدایی از سازش با استکبار؛
۴. عادی سازی خودفروختگی سیاسی؛
۵. تبلیغ مصرف‌گرایی و تجمل پرستی؛
۶. القای ترس و خودباختگی و تبلیغ ضرورت تسلیم و عقب نشینی در مقابل دشمن؛
۷. القای بی اعتمادی مردم به مسئولین؛
۸. ترساندن از تحریم و انزوای جهانی؛
۹. بزرگنمایی اشکالات کوچک و کوچک نمایی موفقیت‌های نظام؛
۱۰. القای وجود بحران در جامعه (معصومی، ۱۳۸۹/۰۵/۲۳).

امنیت فرهنگی

هیچ جامعه‌ای بدون داشتن امنیت فکری و فرهنگی به امنیت سیاسی و اجتماعی پایدار نخواهد رسید. رفتار و اعمال انسان، در حقیقت نمود عینی و خارجی اندیشه‌ها و موج‌های ذهنی او است که در بیرون به شکل‌های مختلفی ظاهر می‌شوند.

همواره در تعاریف امنیت ملی بر حفاظت از ارزش‌های حیاتی ملی در برابر تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها تأکید می‌شود که بیشتر خارجی است و در نهایت در حوزه فرهنگ منجر به پذیرش و حفظ راه و روش زندگی برای همه مردم می‌گردد؛ تهدید امنیت ملی کیفیت زندگی را برای اتباع یک کشور کاهش داده و ارزش‌های کسب شده در معنای ذهنی را تهدید می‌کند. به طور خاص تهدید هویت ملی به عنوان هسته اصلی تهدیدات امنیت فرهنگی ملی شامل تلاش برای گسترش جدایی هویت‌های فرهنگی و قومی بین گروه‌ها در کشور هدف است. در نهایت در محیط امن فرهنگی قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول محقق می‌شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۴). امنیت فرهنگی عبارت از ایجاد وضعیتی مطمئن، آرام‌بخش و خالی از هر گونه تهدید و تعرض می‌باشد که انسان نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها و ارزش‌ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و... تدارک دیده است. بر اساس این تعریف، امنیت فرهنگی در معنای عینی آن «فقدان تهدید» میراث فرهنگی و آثار و ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی آن «فقدان ترس» از هجمه‌ها و حمله‌هایی است که ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله و یا نابودی قرار

می‌دهد. نکته درخور تذکر این است که گاه تعریف «امنیت فرهنگی» به نوع تعریفی که از لحاظ کاربردی، از فرهنگ ارائه می‌شود بستگی پیدا می‌کند، زیرا در تعریف‌های متنوع و مختلفی که از طرف دانشمندان علوم اجتماعی ارائه شده است هر کدام از این دانشمندان با توجه به دیدگاه و کاربردی که از فرهنگ در نظر داشته‌اند آن را تعریف کرده‌اند که برخی از پژوهش‌گران، وجود تعریف‌های متعددی که به صدها مورد می‌رسد را به طور کلی به شش دسته تقسیم کرده‌اند:

- ۱- تعریف‌های تاریخی: در این تعریف‌ها، تکیه بر میراث اجتماعی در طول تاریخ جامعه است؛
- ۲- تعریف‌های ساختاری: در این تعریف‌ها، تأکید کلام بر سازمان فرهنگ است؛
- ۳- تعریف‌های هنجاری: در این تعریف‌ها، بر شیوه و راه و روش زندگی تأکید دارد؛
- ۴- تعریف‌های روان شناختی: در این دسته از تعریف‌ها، تکیه بر الگو و روش تسهیل سازگاری به محیط و جامعه است؛
- ۵- تعریف‌های تکوینی: در این تعریف‌ها بر «ایجاد شده‌ها» توسط اجتماع بشری تأکید دارند؛
- ۶- تعریف‌های تشریحی: در این دسته از تعریف‌ها، با ذکر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ، بر این عناصر تأکید می‌شود.

مؤلفه‌های بومی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

بسیاری از ارزش‌های توخالی فرهنگ آمریکا به لحاظ تبلیغات گسترده آنان، جهانی هستند، در حالی که در نگاه اول به نظر می‌رسد که بسیاری از ارزش‌های فرهنگ ایرانی در داخل با چالش کم اقبالی و در برخی موارد رویگردانی مواجه هستند. ج.ا.ا از یک منبع مهم قدرت نرم به نام فرهنگ ایرانی - اسلامی سود می‌برد که با توجه به قدمت و سابقه طولانی آن، حتی کشور آمریکا هم در این زمینه و در برخی مؤلفه‌های مربوطه، هرگز قدرت رقابت با آن را ندارد. در واقع اگر در بحث قدرت نرم آمریکا، به مک‌دونالد، هالیوود و... به خاطر نقشی که آنها در اشاعه فرهنگ آمریکایی دارند، استناد می‌شود. از این رو است که فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی بخش بسیار مهم قدرت نرم هر کشوری را تشکیل می‌دهند و کشور ایران به واسطه برخورداری از فرهنگ غنی و کهن، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای استفاده از قدرت نرم دارد.

اشتراک عناصر فرهنگی در هر جامعه یا گروه اجتماعی، عامل اصلی انسجام و نشان‌دهنده میزان مقبولیت آن عناصر در میان گروه و جامعه است، ضمن آن که این ویژگی اساس کسب هویت جامعه یا گروه را تشکیل می‌دهد (سلیمانی پورلک، ۱۳۸۹: ۲۰۲-۲۰۱).

اسطوره‌ها و افسانه‌ها، دین، ادبیات و زبان فارسی و فرهنگ سیاسی از مؤلفه‌های جهان شمول و جذاب فرهنگی ایران باستان و رمز پایداری فرهنگ ایرانی هستند. در این بین اسطوره‌ها و افسانه‌ها نیز نقش ممتازی ایفا می‌کنند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۸: ۷۲). آنچه در بحث جنبه‌های اسلامی و قدرت نرم به آن توجه شده است بیشتر مذهب تشیع و انقلاب اسلامی است که هر دو زمینه‌های ارتقای قدرت نرم ج.ا.ا را فراهم آورده‌اند. مذهب تشیع با سرمایه‌های عظیمی مثل ائمه معصومین (ع)، فرهنگ عاشورایی و اعتقاد به مهدویت، زمینه بسیاری را برای قدرت نمای شیعیان فراهم آورده‌اند که یکی از دست آورده‌های این سرمایه‌ها را می‌توان وقوع انقلاب اسلامی در کشورمان ذکر کرد.

بعضی بر این باورند که در اصل آقای جوزف نای با الهام از انقلاب اسلامی ایران، نظریه قدرت نرم خود را ابداع کرده است. انقلاب اسلامی با تکیه بر قدرت نرم افزاری به ویژه ارزش‌هایی چون ایثار، شهادت طلبی، معنویت‌گرایی، عدالت باوری، حق‌گرایی و استقلال طلبی، توانست با ایجاد تحول فرهنگی در سطح داخلی، به احیای خود باوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی بپردازد (www.Farsnews.com).

انقلاب اسلامی مولد قدرت نرم بود و در سال ۵۷، مردم بر اساس ایمان و اعتباری که برای امام خمینی (ره) قائل بودند، باعث جوشش قدرت و ایجاد نظمی جدید شدند. منابع قدرت نرم در ج.ا.ا را متناسب با آن باید در فرهنگ و اجتماع و حوزه‌های رفتاری جستجو کرد. پس دین اسلام و آموزه‌های مکتب تشیع، فرهنگ و روحیه دشمن ستیزی، روحیه مشارکت مردمی و تبعیت از ولایت فقیه از مهمترین منابع قدرت نرم ایران اسلامی در حوزه داخلی است (بیگدلو، ۱۳۹۰: ۱۶۴-۱۶۰).

شاخص‌های امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

اصولاً همه انقلاب‌ها دارای قدرت نرم هستند و انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در واقع در برگزیده مؤلفه‌های فرهنگی، ایدئولوژی و سیاسی است. علاقه دولت‌مردان و ملل مختلف به انقلاب و رهبری آن، موید این امر

است. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در خطبه‌های نماز جمعه تهران در مورخه ۱۳۷۹/۱۲/۲۶ می‌فرماید: حکومت فقط فرمان‌روایی نیست بلکه نفوذ در دل‌ها و مقبولیت در ذهن‌هاست. بر این اساس و با توجه به توضیحات داده شده می‌توان شاخص‌ها و ویژگی‌هایی که جمهوری اسلامی ایران به وسیله آن‌ها در تأمین امنیت فرهنگی خود گام بر می‌دارد به شرح زیر بیان داشت:

- ۱- انقلاب اسلامی و قدرت نرم ذاتی؛
- ۲- رویکرد جهانی در بعد اسلامی انقلاب؛
- ۳- موقعیت ویژه جغرافیایی ایران؛
- ۴- ویژگی‌های فرهنگی؛
- ۵- هویت ملی؛
- ۶- الگوهای جدید حکومتی؛
- ۷- مدیریت آگاهی؛ (سلطانی، ۱۳۸۲: ۱۴۱).

علاوه بر مطالب پیش‌گفته مواردی همچون:

- ۱- وجود مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) متمرکز و مقتدر برای هدایت امور در برابر دسیسه‌های دشمنان؛
- ۲- نفرت اغلب کشورهای مسلمان از نفوذ فرهنگی غرب؛
- ۳- همسویی برخی کشورهای منطقه از مواضع فرهنگی ایران اسلامی؛
- ۴- اختلاف ایدئولوژیک مواضع غرب و شرق؛
- ۵- بالا بردن سطح سواد عمومی و وجود قشر تحصیل کرده فرهیخته و آگاه در سیاست‌های مودبانه غرب
- ۶- وجود اراده عمومی برای مقابله مستمر با تهاجم فرهنگی دشمنان؛
- ۷- مهیا بودن بستر مناسب در جهت افزایش فعالیت‌های فناورانه در برابر اقدامات نرم و سایبری دشمن.

شاخص‌های تهدید امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

شاخص‌هایی نیز وجود دارد که می‌تواند به نوعی برای تأمین امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مانع ایجاد کند بر این اساس در ادامه سعی می‌شود در این حوزه آسیب‌ها و

چالش‌های موجود بررسی گردد (سلطانی، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

۱- فناوری اطلاعات و ارتباطات

وضعیت فناوری ارتباطی و اطلاعاتی در ایران در مقایسه با حجم توسعه و سرمایه‌گذاری کشورهای معاند، نوعی بی‌تفاوتی آشکار را نشان می‌دهد.

۲- ضعف هم‌اندیشی و تعامل بین رسانه‌های مختلف کشور

زمانی که تمامی رسانه‌های بزرگ غرب در روند تاریخی یا مقاطع خاص به صورت متحد و یکپارچه و در راستای تأثیر بر امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران وارد عمل می‌شوند، هرگونه اقدام تهاجمی یا تدافعی رسانه‌های داخلی نیز باید متحد و معطوف به اهداف مشخص باشد.

۳- تضعیف و تخریب باورهای دینی و تحقیر فرهنگ اسلامی

باورهای دینی و فرهنگ ایران اسلامی منشأ برکات زیادی در استمرار جمهوری اسلامی ایران بوده است و از این رو اگر غرب بتواند این اعتقاد را از ذهن مردم بزدايد مقاومت‌ها، ایثارها و تمامی محسنات متعلق و وابسته به آن، نیز از بین خواهد رفت.

۴- استفاده ابزاری از روشن‌نماها و احزاب

به‌کارگیری تعلیم‌یافتگان فرهنگ غربی و روشن‌فکرهای وابسته در قالب‌های علمی و تحقیقاتی باعث می‌شود تا اذهان جوانان جویای حقیقت، در فضای غبار آلود ایسم‌ها نظریه‌های مختلف از دین و فرهنگ دینی فاصله گرفته و به فرهنگ‌های غربی روی بیاورند، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: «من بارها گفته‌ام که روشن‌فکری در ایران، بیمار متولد شد، چرا؟ چون کسانی که روشن‌فکران اول تاریخ ما هستند آدم‌هایی ناسالمند، ایشان در ادامه از زبان جلال آل احمد علت این بیماری را برداشت عامیانه از روشن‌فکری عنوان کردند و فرمودند این خصوصیات که نشان دهنده نوع نگاه عوام به روشن‌فکری است سه تاست: اول مخالفت با مذهب و دین یعنی روشن‌فکر لزوماً بایستی با دین مخالف باشد؛ دوم علاقه‌مندی به سنن غربی و اروپا رفتگی این‌طور چیزها؛ سوم هم درس خواندگی» (بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی، ۱۳۷۷).

۵- تهاجم فرهنگی

حضرت امام خمینی(ره) در باره ضرورت مقابله با رواج فرهنگ استعماری که در کتاب صحیفه جلد ۲ آمده است، طی نامه‌ای به آقای صادق طباطبایی می‌فرماید: آنچه می‌توان گفت ام الامراض است، رواج روزافزون فرهنگ اجنبی استعماری است که در سال‌های بسی طولانی جوانان ما را با افکار مسموم پرورش داده و عمال داخلی استعمار بر آن دامن زده‌اند و از یک فرهنگ فاسد استعماری جز کارمند و کارفرمای استعمارزده حاصل نمی‌شود. باید کوشش کنید مفاسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت‌ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده، به جای آن فرهنگ اسلامی- انسانی را جایگزین کنید تا نسل‌های آینده با روش آنکه انسان‌سازی و عدل‌پروری است، تربیت شوند.

مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی): تهاجم فرهنگی یک کار آرام و بی سر و صداست، اگر شما ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید خدای نخواستہ صدای فرو ریختن ارزش‌های معنوی که ناشی از تهاجم پنهان و زیرکانه دشمن است هنگامی در می‌آید که دیگر قابل علاج نیست، همچنین در باره تهدیدهای تهاجم فرهنگی برای جوانان می‌فرماید: یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد منصرف کنند مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در اندلس کردند (بیانات مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)، ۱۳۷۱/۵/۲۱).

۶- رسانه‌ها

در فضای جهانی، اینترنت و سایر ابزارهای رسانه‌ای، مانند رادیو تلویزیون مطبوعات و عرصه‌های هنری شامل سینما، تئاتر، نقاشی، موسیقی و شبکه‌های انسانی مجازی همگی در حکم جنگ افزارهای رسانه‌ای علیه ایران اسلامی بخصوص در حوزه فرهنگ به صورت گسترده در حال فعالیت هستند.

نتیجه گیری

تحت تأثیر قرار گرفتن از جهانی شدن امری اجتنابناپذیر است، جهانی شدن شمشیری دودم است که می‌تواند به عنوان فرصت یا تهدید فراروی امنیت فرهنگی ملت‌ها و از جمله ایران اسلامی قرار گیرد. با پیشرفت تکنولوژی و وسایل ارتباطی کشورها به هم نزدیک‌تر شده و مرزها مفهوم جدیدی یافته‌اند. مرز یا مکان رابطه‌ای انکارناپذیر با هویت ملی و امنیت فرهنگی دارد. در عمق و بطن هویت ملی، اعتقاد به نوعی مرزبندی جغرافیایی فرهنگی و سیاسی وجود دارد. بر این اساس جهانی شدن سه حالت را فراروی هویت ملی و امنیت فرهنگی ج.ا.ا فراهم می‌آورد:

حالت اول: جهانی شدن هویت ملی را از بین برده و تهدیدی جدی برای امنیت فرهنگی محسوب می‌شود.

حالت دوم: جهانی شدن باعث تقویت هویت ملی می‌گردد.

حالت سوم: رابطه‌ای تکمیلی است، به این صورت که می‌توان با استفاده از عنصر آگاهی به بهره‌برداری از امکانات جهانی شدن، نه فقط رابطه را از حالت تناقض خارج کرد بلکه به رابطه‌ای سالم و قابل کنترل، دست یافت.

جهانی شدن در حوزه نظری و حوزه عملی به طور مستقیم بر هویت ملی ج.ا.ا اثرگذار است که این تأثیر مستقیم، ترکیبی از فرصت و تهدید برای هویت ملی ایران و امنیت فرهنگی به همراه آورده است؛ از این رو یکی از وظایف ضروری دستگاه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی و امنیتی آماده شدن برای واکنش بهینه نسبت به جهان خارج پیش از بروز بحران در حوزه فرهنگ کشور دانست به عبارت دیگر سیاست‌گذاران فرهنگی و امنیتی در عصر جهانی شدن باید همواره در صدد تطبیق بهینه و مناسب شرایط داخلی و محیط امنیتی خویش باشند و این امر مهم به شرط دارا بودن آگاهی دقیق و واقع بینانه از تهدیدات و فرصت‌های ناشی از جهانی شدن میسر می‌شود، لذا ضروریست با استفاده از عنصر آگاهی یا به عبارت دیگر مدیریت آگاهی از این فضا نهایت بهره‌برداری و استفاده را نمود.

بی ثبات سازی فرهنگی چالش مهمی است که در زمینه امنیت فرهنگی متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران است. این چالش به هویت ملی جامعه ایران معطوف است که فرآیند تغییر اجتماعی و سیاسی آن را متصور می‌کند. به کارگیری سازوکارهایی مانند تغییر قواعد و

نظام آموزشی، وسایل ارتباط جمعی و ترویج هنجارهای حقوق بشر از آنجا که لایه‌های فرهنگی جامعه را آماج قرار داده است، منابع و عناصر هویتی جامعه ایران را که ریشه در فرهنگ ملی-مذهبی دارد دستخوش تغییر و دگرگونی ناخواسته می‌کند.

از طرفی کاربرد جنگ نرم در حوزه امنیت فرهنگی ج.ا.ا دارای فرصت‌هایی نیز است. در حوزه فرهنگی ج.ا.ا مزیت‌ها و مؤلفه‌های قدرت ملی زیادی دارد و سیاست نرم افزاری، فرصت بهره‌گیری فعال و مثبت را از آنها ایجاد می‌کند. بخشی از این فرصت‌ها در عرصه‌های سیاسی بروز می‌کند. بخشی دیگر به فرهنگ، تمدن، تاریخ، تعلقات مذهبی مشترک و پیوستگی‌های قومی در قالب سرزمینی یکپارچه باز می‌گردد. اینها عواملی هستند که در پیشبرد سیر توسعه سیاسی و اقتصادی به شکل‌گیری و تقویت هویت و انسجام ملی کمک می‌کند. به خصوص که تجربه تاریخی کشور طی چند سال اخیر نشان داده است که در هنگام بروز تهدید خارجی، یکپارچگی و انسجام ملی تقویت می‌شود؛ البته مشروط بر اینکه مدیریت راهبردی در داخل قادر باشد از ظرفیت‌های داخلی استفاده کند. به عبارتی، فرصت‌های داخلی درک شود تا بر پایه آن درک و بهره‌گیری از فرصت‌های خارجی امکان پذیر شود.

با توضیحات ارائه شده می‌توان نتیجه‌گیری نمود که دشمنان از شیوه‌های جنگ روانی، جنگ رایانه‌ای، جنگ اینترنتی، براندازی نرم، راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌سازی استفاده نموده در جنگ نرم علیه ج.ا.ا ایران استفاده می‌نمایند و جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با شناخت راهکنش‌های مورد استفاده در جنگ نرم و محورها و شیوه‌های جنگ نرم غرب و همچنین شناخت شاخص‌های امنیت فرهنگی و تهدید امنیت فرهنگی ج.ا.ا به اهداف مورد نظر دست یابد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، در توصیه‌های حکیمانه خود، رفع مظلومیت از فرهنگ را راه حل بسیاری از مشکلات کشور می‌دانند و در این زمینه تأکیدات و فرمایشات ویژه‌ای مبنی بر توجه ویژه مسئولین به بخش فرهنگ بیان داشته‌اند و بر این اساس و با توجه به منویات ایشان به نظر می‌رسد موارد پیشنهادی زیر می‌تواند به صورت راهبرد فرهنگی در دستور کار مسئولین فرهنگی کشور قرار گیرد:

۱- باور به هجوم فرهنگی

باور به هجوم فرهنگی در رأس است و به همین منظور باید ضریب حساسیت عمومی و نهادهای متولی امور فرهنگی بالا رفته و به جای حرکت‌های مقطعی و موردی نوعی تلاش

برنامه‌ریزی شده و راهبردی توسط همه نهادها مورد تاکید قرار گیرد. (هوشیاری و مراقبت فرهنگی)

۲- اصل تولید فرهنگی

برای مقابله با تهاجم، شبیخون و ناتوی فرهنگی دشمنان، نیاز به تولید و تبلیغات فرهنگی است که مهمترین سلاح‌ها در این جبهه نیز قلم هنر، ادبیات و... هستند (آموزش عمومی و فرهنگ سازی مخاطبین).

۳- استفاده از فناوری‌های نوین

استفاده از همه ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و بهره‌گیری از فناوری روز و جدیدترین شیوه‌ها برای انتقال پیام، روشنگری و تبلیغات فرهنگی از ضروریات اصلی بازی در فضای جهانی است.

۴- تقویت رسانه‌های ملی و فراملی

تلاش برای تقویت و جذابیت رسانه‌های داخلی و همچنین رسانه‌های فراملی در قالب شبکه‌های ماهواره‌ای و پیمان‌های رسانه‌ای مشترک با کشورهای اسلامی و منطقه‌ای حائز اهمیت است.

۵- مهندسی و مدیریت فرهنگی

از دیگر راهکارهای فرهنگی که مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به آن اشاره فرموده‌اند ضرورت مهندسی فرهنگی است. ایشان در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند: یکی از تکالیف ما در درجه اول مهندسی فرهنگی کشور است یعنی مشخص کنیم که فرهنگ ملی فرهنگ عمومی و حرکت عظیم درون‌زا و ضرورت بخشی و کیفیت بخشی که اسمش فرهنگ است و در درون انسان‌ها و جامعه به وجود می‌آید چگونه باید باشد. اشکالات و نواقص چیست و چگونه باید رفع شود و کندی و معارضش کجاست؟ مجموعه‌های لازم است که اینها را تصور کند و بعد مثل دست محافظی هوای این فرهنگ را داشته باشد. (استحکام و مقاوم سازی زیرساخت‌های معنوی، فرهنگی و دفاعی و کاهش آسیب‌پذیری‌های زیرساختی در عرصه فرهنگ)

۶- هم‌اندیشی و تعامل بین رسانه‌های مختلف کشور تقویت شود.

۷- باورهای دینی و ارزشی فرهنگ اسلامی و باورهای اخلاقی تقویت شود.

۸- نظام رسانه‌ای کشور با رویکرد فرهنگی و اجتماعی و پرهیز از افراطی‌گرایی در برنامه‌های

رسانه‌ای با محوریت ارزش‌های ملی - اسلامی با قابلیت رقابت و مقابله در فضای رسانه‌ای با تهاجم غرب بازنگری شود.

۹- میزان اعتماد و مشارکت افراد اثرگذار در جامعه در برنامه‌های فرهنگ و اجتماعی و جذب و به‌کارگیری نخبگان حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... و همچنین نخبگان اقشار، قومیت‌ها و ادیان مختلف برای برنامه‌ریزی عملیات روانی در کشور ارتقاء یابد.

Archive of SID

منابع

۱. مقام معظم رهبری. (۱۳۷۷). سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران.
۲. ایاسی، محمد حسین. (۱۳۸۹). **ماهیت و عناصر قدرت نرم**. تهران: ساقی.
۳. بوزان، باری. (۱۳۷۸). **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. بیگدلو، مهدی. (پاییز ۱۳۹۰). تأثیر پدافند غیرعامل بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال نهم، شماره ۳۴، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. سلطانی، محمد و هاشمی، شهناز. (۱۳۸۲). **یوشخ خبری**، تهران: سیمای شرق.
۶. سلیمانی پورلک، فاطمه. (۱۳۸۹). **قدرت نرم در استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا**، تهران: مرکز مطالعات راهبردی.
۷. طلائی، مرتضی. (۱۳۸۹/۰۹/۰۱). «پدافند غیرعامل و قدرت نرم»؛ www.farsnews.ir
۸. فریزاد، مجید. (۱۳۸۹). **چیستی جنگ نرم و راهکارهای عملیاتی مقابله با آن**، تهران: نشر بصیرت قرآنی ویژه نامه هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم.
۹. قربانی، محمد. (۱۳۸۸). **جنگ نرم: تبیین مفهومی، پیشینه تاریخی و تاکتیکی**، www.sis-eg.com
۱۰. قدیریان، محمود. (۱۳۸۲). **عملیات روانی**، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی.
۱۱. کالینز، جان. ام. (۱۳۷۰). **استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها**، ترجمه کوروش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۲. گلشن‌پژوه، محمدرضا. (۱۳۸۷). **جمهوری اسلامی و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم‌افزاری جمهوری اسلامی ایران**، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۳. مرادی، حجت اله. (۱۳۸۹). **قدرت و جنگ نرم**، تهران: ساقی.
۱۴. معصومی، سعید. (۱۳۸۹/۰۵/۲۳)، آشنایی با پدافند غیرعامل در حوزه جنگ نرم. www.paydarymelli.ir
۱۵. نای، جوزف. (۱۳۸۹) **قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل**، ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۱۶. نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۸)، **تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

17. Josef Joffe, Summer .(2001). "Who's Afraid of Mr. Big?" The National Interest.
18. Niall Ferguson, (February 2003). "Think Again: Power," Foreign Policy, January.
19. Neal M. Rosendorf, (2000). "Social and Cultural Globalization: Concepts, History, and American's Role," in Joseph Nye and John D. Donahue, eds., Governance in a Globalizing World (Washington, D. C.: Brookings Instruction Press.
20. Todd Gitlin,(January 11, 1999). "Taking the World by (Cultural) Force," The Straits Times (Singapore).

۲۱. سایت مجلسی 1387

22. <http://www.tebyan-zn.ir>
23. <http://www.Farsnews.com>

Archive of SID